

بسم الله الرحمن الرحيم

افزایش کشمکش‌های ژئوپولیتیکی در آسیای میانه، به ویژه ازبکستان

(ترجمه)

قدرت‌های بزرگ استعماری جهان در حال حاضر بالای آسیای میانه تمرکز نموده اند، زیرا روسیه کم کم دارد در مرداب اوکراین غرق می‌شود و به این ترتیب، شهرت جهانی خود را از دست می‌دهد، چنان‌چه همه پی بردند که قدرت نظامی روسیه چنان که ادعا می‌شد، نبوده و در عین حال، روسیه در وضعیت محاصره اقتصادی قرار گرفته است. این وضعیت روسیه، تصویر خرس زخم برداشته‌ای را در اذهان تداعی می‌کند. بر اساس قوانین جنگل؛ زمانی که یک حیوان درنده زخم بر می‌دارد و دیگر توان حمایت از حریم و محدوده خود را ندارد، سایر حیوانات درنده برای تصاحب محدوده آن حیوان زخم برداشته، با چنگ و دندان به جان یکدیگر می‌افتند. از آن جایی که نظام سرمایه‌داری حاکم بر جهان امروز نیز بر اساس قوانین جنگل به پیش می‌رود، پس از ضعیف شدن روسیه، که خود را مالک آسیای میانه می‌داند، تمام دولت‌های بزرگ جها سعی دارند سهم بیشتری از این منطقه به دست آورند. در این کشمکش ژئوپولیتیکی، امریکا بازیکن اول و توان‌تر و رقیب اساسی به شمار می‌رود؛ زیرا این امریکا بود که توانست روسیه را فریب داده و درگیر جنگ اوکراین نماید و از طرف دیگر، موفق شد اتحادیه اروپا را وادار کند در رویارویی با این دشمن دیرین در کنار آن بایستد. بنابر این می‌توان ادعا نمود که اتحادیه اروپا به همین دلیل، یعنی چهارچوب منافع مشترک، حاضر شد با امریکا در آسیای میانه همراه شود.

از جانب دیگر، چین قصد دارد به دلیل اهداف بزرگ اقتصادی که در سر می‌پروراند، از وضعیت پیش آمده استفاده کند. اما خود روسیه می‌کوشد برای حفظ روابط خود با آسیای میانه، به هر وسیله ممکن چنگ زند، زیرا بقای آن، به صفت یک قدرت بزرگ، در گرو ارتباط مستحکم آن با آسیای میانه بوده و این امر برای روسیه به مثابه مرگ و زندگی می‌باشد، زیرا در سراسر جهان هیچ جای دیگری بجز این منطقه وجود ندارد که روسیه در آن از نفوذ قوی برخوردار باشد.

دولت‌های بزرگ جهان، که قصد دارند آسیای میانه را زیر تسلط خود در آورند، به خوبی می‌دانند که ازبکستان مناسب‌ترین پنجره برای نفوذ به سراسر این منطقه می‌باشد، چنان که به دست آوردن ازبکستان به معنای به دست آوردن تمام آسیای میانه خواهد بود، زیرا این سرزمین به مثابه قلب منطقه می‌باشد. موقعیت استراتژیک، سرمایه بشری هنگفت، ثروت حیرت‌انگیز و سایر عوامل وسوسه‌انگیز، لعاب دهان قدرت‌های استعمارگر بزرگ را به راه انداخته. به همین دلیل است که این قدرت‌ها، ازبکستان را به عنوان هدف اصلی و اساسی خود در نظر گرفته اند.

اگر بخواهیم در خصوص سیاست امریکا در کشاکش برای به دست آوردن آسیای میانه، مخصوصاً ازبکستان، سخن بگوییم، باید بگوییم که امریکا در این قضیه نیز قصد دارد از اتحادیه اروپا به عنوان یک ابزار استفاده نماید، درست مانند قضیه اوکراین؛ زیرا امریکا به تنهایی نمی‌تواند در برابر نفوذ گسترده روسیه به علاوه نفوذ روز افزون چین در منطقه قرار گیرد.

در خصوص گام‌هایی که امریکا در این مسیر بر می‌دارد باید گفت که سفر انتونی بلنکن وزیر خارجهٔ امریکا به ازبکستان، یکی از برجسته‌ترین این گام‌ها بود؛ زیرا چنین مسئول بلندپایه‌یی هیچ‌گاه برای یک مسألهٔ پیش‌پا افتاده‌یی به جایی نمی‌رود. بلنکن به تاریخ 28 فبروری سال جاری وارد منطقهٔ آسیای میانه شد و نشستی را زیر عنوان "S5+1" و با مشارکت وزیران خارجهٔ پنج دولت از دولت‌های منطقه برگزار نمود. سپس به تاشکن رفت و با میرزایف، رئیس‌جمهور ازبکستان دیدار نمود. وی در جریان این سفر تأکید نمود که جنگ روسیه در اوکراین، برای دولت‌های آسیای میانه یک تهدید مستقیم به شمار می‌رود و این جنگ بالای منطقه تأثیر منفی به جا گذاشته. وی سیاست خارجی خصمانهٔ کرملین را تقبیح نمود و گفت که رسانه‌ها را می‌بایست در روبرویی با تبلیغات روسیه آزاد گذاشت. وی هم‌چنین گفت که اضرار ناشی از تحریم‌های اقتصادی اعمال شده بر علیه روسیه برای ازبکستان، پوشش داده خواهد شد.

خلاصه این که؛ کاملاً روشن بود که هدف اساسی سفر بلنکن، همانا تضعیف نفوذ روسیه در ازبکستان بود. این حقیقت مشخصاً زمانی واضح می‌شود که میرزایف در سفری که دو هفته پس از سفر بلنکن به ولایت سورخاندریا داشت، از مهم‌ترین نقطهٔ دیدارش با بلنکن یاد نموده گفت: دولت‌های بزرگ از من می‌خواهند موقف بی‌طرفانه بگیرم و یک جهت را برگزینم. پس به نظر می‌رسد بلنکن، میرزایف را هشدار داده که از روسیه فاصله بگیرد و در این صورت امریکا آن را زیر بال و پر خود خواهد گرفت و اگر ازبکستان این کار را بکند، درست مانند اوکراین از آن حمایت خواهد شد. اما اگر اظهارات میرزایف در این خصوص تأیید شود، ممکن است پاسخ میرزایف به بلنکن این بوده که "این کار در حال حاضر ممکن نیست". زیرا وی در حال حاضر سیاستی شبیه به سیاست چند جانبه را دنبال می‌کند و جرأت مخالفت علنی با روسیه را ندارد.

امریکا سعی دارد به گونهٔ سیاسی و از طریق سازمان دولت‌های ترک "S5+1" به رهبری ترکیه، نفوذ خود را در ازبکستان مستحکم کند. در عین حال؛ امریکا پس از خروج از افغانستان، ازبکستان را به عنوان دولت اصلی دخیل در منطقه برگزید تا تسلط خود را در آن‌جا از دست ندهد. بلنکن در گفتگویی در جریان سفرش به ازبکستان گفت که ازبکستان در تداوم گفتگوها با طالبان نقش ویژه دارد. دلیل برگزاری نشست‌های مختلف با نمایندگان طالبان مشخصاً در ازبکستان نیز همین موضوع می‌باشد.

از آن‌چه گفت شد چنین بر می‌آید که تمایل میرزایف برای تبدیل کردن ازبکستان به دولت پیشتاز در منطقه، هم‌گام با تمایل و اهداف امریکا در منطقه شده، زیرا با تبدیل شدن ازبکستان به صفت دولت پیشتاز، امریکا فوراً نفوذ خود را در آسیای میانه گسترش خواهد داد. اینجاست که میرزایف به عنوان فرمانده ازبکستان، نقش رهبری سایر دولت‌هایی را نیز خواهد داشت که آن را دنبال کنند.

اینک از نظر اقتصادی مسأله را بررسی می‌نماییم؛ امریکا روی پروژه‌هایی مانند خط آهن "ترمذ - مزار شریف - کابل - پشاور" کار می‌کند و نیز تلاش دارد ازبکستان را عضو سازمان تجارت جهانی نماید تا از طریق بانک جهانی، قرضه‌هایی را به ازبکستان بدهد و در آن سرمایه‌گذاری نماید. به طور مثال؛ بر اساس بررسی‌های صورت گرفته که توسط صندوق اوراسیا برای تحقق ثبات و توسعه (ESDF) منتشر گردیده، در خصوص میزان کمک‌های مالی که توسط سازمان‌های جهانی و آژانس‌های توسعه به کشورهای منطقهٔ اوراسیا داده شده، ازبکستان دولتی است که بیشترین میزان این کمک‌ها را در 15 سال اخیر دریافت نموده است. در مجموع، 20.9

میلیارد دالر به ازبکستان اختصاص داده شده که "15.4 میلیارد دالر آن به عنوان قرضه‌های سرمایه‌گذاری" بوده. 80% این مبلغ توسط بانک جهانی، بانک توسعه آسیا، صندوق جهانی پول و بانک اروپا برای ساخت و ساز پرداخت می‌گردد. بیشترین مقدار این کمک‌ها در جریان ریاست جمهوری میرزایف "از سال 2016م به بعد" دریافت گردیده، مشخصاً در سال 2017م میزان بدهی حکومت، به 11.6 میلیارد دالر رسید، اما از اول جنوری 2023م، مجموع درآمد داخلی 29.2 یا 36.4% بوده. در جریان فقط پنج سال، بدهی‌ها به 17.6 میلیارد دالر رسید. میزان سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی نیز از سال 2017م که 3.3 میلیارد دالر بود، 2.5 برابر افزایش یافت و به 8.6 میلیارد دالر رسید. شکی نیست که افزایش میزان کمک‌های اقتصادی، باعث افزایش میزان اعتماد ازبکستان به غرب، به ویژه امریکا خواهد گردید. زیرا این سازمان‌های پولی جهانی، تحت تأثیر امریکا قرار دارد و امریکا از آن به عنوان یک سلاح برای به بردگی گرفتن دولت‌های ضعیف استفاده می‌نماید. به علاوه سازمان‌های مالی جهانی، امریکا از دولت‌های وابسته به خود و مزدور خود نیز استفاده می‌نماید. به طور مثال؛ رئیس‌جمهور سنگاپور و امیر قطر برای نخستین بار در اوایل ماه جولای سال جاری از ازبکستان دیدار نمودند و در جریان این سفرها، شماری از توافق‌نامه‌ها برای سرمایه‌گذاری به امضاء رسید.

بدون شک امریکا سعی دارد جایگاه خود را در ازبکستان نه فقط از طریق فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی، بلکه با بکارگیری برنامه‌های اقتصادی و تعلیمی نیز استحکام ببخشد. پشت آن کمک‌های مالی و قرضه‌های فوق‌الذکر، شروطی نیز وجود دارد که بالای حکومت ازبکستان تحمیل می‌گردد تا دموکراسی غرب را در این سرزمین گسترش دهد، به شمول مساوات میان زن و مرد، حمایت از حقوق بشر به خصوص حقوق زن و کودک، ضمانت آزادی بیان و مبارزه با ترورزم و بنیادگرایی (اسلام و مسلمانان). در همه‌پرسی اخیر که برای تغییر قانون اساسی ازبکستان صورت گرفت، اساسات دموکراسی در نسخه جدید قانون اساسی به هدف کسب رضایت غرب و امریکا، گنجانیده شد. به گونه مثال؛ درج خشونت خانگی به عنوان جنایتی مستقل در قانون مذکور. هم‌چنین شاهد بحث و مناقشه گسترده در مورد قضیه مساوات میان زن و مرد و ترویج آن به گونه فعال می‌باشیم و پیوسته می‌بینیم که شمار جلسات و دیدارها با دولت‌های غربی در این مورد در حال افزایش است. به طور مثال؛ سعیده میرزایف، رئیس بخش سیاست ارتباطات و معلومات اداره ریاست جمهوری، "که در حال حاضر به صفت معاون اول رئیس دولت" کار می‌کند، در اواخر ماه مارچ به امریکا سفر نمود و با جنیفر کلاین معاون رئیس‌جمهور امریکا و مدیر شورای سیاست‌های اجتماعی و نیز نیکولاس برلینر معاون ویژه رئیس‌جمهور و مدیر اول امور مربوط به روسیه و آسیای میانه، در قصر سفید، دیدار و گفتگو نمود. موضوع اصلی این گفتگوها، همانا حمایت از زن در برابر خشونت‌های جنسی و کار برای جلوگیری از این خشونت‌ها در ازبکستان بود و کلاین پیشنهاد کمک عملی در این خصوص را مطرح نمود. قبلاً نیز فرمان ریاست جمهوری "در خصوص موافقت با برنامه تربیت ملی در عرصه حقوق بشر در جمهوری ازبکستان" صادر گردید و به تاریخ 7 فبروری 2023م قابل اجراء شد. چنین گردهمایی‌ها، قوانین و مقررات، به هدف انتشار نفوذ امریکا در سرزمین مان و نیز تقویت ریشه‌های دموکراسی فاسد در این سرزمین صورت می‌گیرد.

اروپا در آسیای میانه با امریکا منافع مشترک دارد، که همانا دور کردن نفوذ روسیه و جلوگیری از گسترش اقتصادی چین در منطقه می‌باشد. اما با وجود آن هم، اهداف و برنامه‌های اتحادیه اروپا و امریکا از نظر سایر منافع با هم توافق ندارد؛ زیرا دولت‌های مبتنی بر مفکوره سرمایه‌داری و استعمارگر، بجز منافع خاص خود به چیز دیگری نمی‌اندیشد و سعی می‌کنند در حد توان، رقبای خود را کنار زنند. امریکا زمانی در اعمال تحریم‌ها علیه روسیه موفق شد که اتحادیه اروپا در قضیه اوکراین کنار آن ایستاد و با آن همکاری

نمود، زیرا روسیه در برابر نظم جهانی قرار گرفت و با صراحت اعلان نمود که امریکا این نظم را در خدمت منافع خود قرار داده و قصد دارد آن را در همین جهت تغییر دهد. در مورد منافی که عائد حال اتحادیه اروپا خواهد گردید، همانا امکانات عظیم اقتصادی و منابع طبیعی هنگفتی است که آسیای میانه از آن برخوردار می‌باشد، مخصوصاً ازبکستان. بناءً اتحادیه اروپا نیز مانند سایر استعمارگران می‌خواهد از این امکانات و سرمایه‌ها، سهمی ببرد.

به صورت کل، مرحله جدید روابط میان اتحادیه اروپا و آسیای میانه را که تحلیل‌گران سیاسی آن را "مرحله سوم" می‌نامند، شامل دوره جدیدی می‌شود که از سال 2019م شروع شده و تا امروز ادامه دارد. بنابر این، در سال 2019م، استراتژی جدیدی در بروکسل به تصویب رسید که بر اساس آن، اتحادیه اروپا در جریان سال‌های 2021م الی 2027م باید با آسیای میانه همکاری داشته باشد. نام این استراتژی را، "اتحادیه اروپا و آسیای میانه: فرصت‌های نوین برای استحکام همکاری‌های دوجانبه" گذاشتند. سپس اتحادیه اروپا، نسخه اروپائی "S5+1" موسوم به نشست "آسیای میانه - اتحادیه اروپا" را طراحی نمود که دومین دور این نشست را به تاریخ 2 جون سال جاری در شهر چولپونوتای قرغیزستان برگزار نمود که رهبران پنج دولت منطقه و در رأس آن میرزایف شرکت نمودند. این نشست یکی از ابزارهایی است که اتحادیه اروپا با استفاده از آن سعی دارد نفوذ خود را در آسیای میانه گسترش دهد.

اتحادیه اروپا در چهارچوب این استراتژی جدید، سیاست مشخصی را با ازبکستان به پیش می‌برد. در عین حال، اتحادیه اروپا و ازبکستان در مورد توافق شراکت و همکاری قوی دوجانبه، یک سلسله گفتگوهای را نیز به راه انداخته اند که گفته می‌شود قرار است موافقت‌نامه‌هایی در این خصوص به زودی میان دو طرف به امضا برسد. در عین حال، اتحادیه اروپا در عرصه اقتصادی نیز به سرعت در حال ایجاد روابط مشترک می‌باشد، مشخصاً به تاریخ 2 جون سال جاری، میرزایف نشستی در این مورد با چارلیز میشل رئیس پارلمان اروپا داشت که در چهارچوب نشست آسیای میانه و اتحادیه اروپا برگزار گردیده بود. چارلیز میشل در این دیدار گفت که میزان تجارت میان ازبکستان و دولت‌های اتحادیه اروپا از شروع سال جاری تا کنون 70% افزایش یافته. میزان پروژه‌های سرمایه‌گذاری در عرصه‌های تکنولوژی پیشرفته در اقتصاد ازبکستان که با مشارکت شرکت‌های بزرگ اروپایی صورت می‌گیرد، تا 20 میلیارد یورو افزایش یافته. رهبران ازبکستان و اتحادیه اروپا در مورد متنوع نمودن و افزایش تجارت دوجانبه و نیز گسترش سیستم تجارت بهبود انبار یا GSP+ و راه‌ها حمل و نقل فعال و هم‌چنین بهبود مسیر عبور کالا از قزوین و سایر قضایای تجارتی را به بحث و بررسی گرفتند. از میان تمام این موارد، سیستم تجارت بهبود انبار یا GSP+ بیشتر قابل تأمل است، زیرا در نامه وزارت سرمایه‌گذاری و تجارت خارجی که به تاریخ 1 دسامبر 2020م منتشر گردید، اتحادیه اروپا تصمیم گرفته امتیاز استفاده از سیستم تجارت GSP+ را پیشاپیش برای ازبکستان بدهد، زیرا ازبکستان به درخواست‌های مندرج در 27 توافق‌نامه بین‌المللی در عرصه‌های حمایت از حقوق بشر، پایبندی به اساسات کاری، حفاظت از محیط زیست و مدیریت فعال، عمل نموده. پس از آن که این تصمیم اجرایی گردید، تولیدکنندگان و صادرکنندگان ازبکستانی استفاده از سیستم انبار گمرکی یک‌جانبه در هنگام صادر نمودن تولیدات خود به بازارهای اروپایی را آغاز نمودند. به این ترتیب، شمار اقلام کالاهایی را که اجازه صدور آن را دارند تا 6200 قلم افزایش یافت. دلیل این که اتحادیه اروپا، ازبکستان را در این خصوص ترجیح داده، این است که ازبکستان به 27 مورد از خواسته‌های مطرح شده در توافقات بین‌المللی پایبندی نشان داده. روشن است که تمام این توافقات بین‌المللی در پی نهادینه کردن دموکراسی در سرزمین

مان می‌باشد، که طبیعتاً این کار به معنای دور کردن اسلام و احکام آن از این جامعه است. در عین حال، دادن امتیاز استفاده از سیستم تجارت برتر، باعث کاستن از اعتماد اقتصادی به روسیه خواهد شد.

یکی دیگر از اقدامات برجسته‌یی که در این راستا صورت گرفته، دیدار دبیوید سولیوان، نمایندهٔ ویژهٔ اتحادیهٔ اروپا با شوکت میرزایف به تاریخ 27 اپریل 2023م در تاشکند است. نمایندهٔ ویژهٔ اروپا در جریان سفرش به ازبکستان، ضمانت عدم همکاری با روسیه در دور زدن تحریم‌ها را از جانب ازبکستان دریافت نمود. اتحادیهٔ اروپا با دریافت چنین ضمانت‌هایی می‌خواهد توانایی‌های روسیه برای دور زدن تحریم‌ها را محدود نماید. اگر میرزایف به این وعده عمل نکند، اتحادیهٔ اروپا ازبکستان را مجازات خواهد نمود، چنان‌چه به گفتهٔ نشریهٔ پولیتیکو، ممکن است تحریم‌هایی علیه قزاقستان، ازبکستان، چین و ترکیه به هدف متوقف نمودن تلاش‌های شان برای دور زدن تحریم‌ها علیه روسیه و ارسال برخی کالاها به این کشور، اعمال گردد. بنا به برخی معلومات؛ ممکن است این اقدامات شامل دور یازدهم اعمال تحریم‌ها علیه روسیه گردد. به عبارت ساده‌تر؛ اگر دولت‌های آسیای میانه، مخصوصاً ازبکستان به روسیه نزدیک‌تر شوند، تحریم‌ها عملی خواهد شد. برعکس آن این است که اگر گام‌هایی در جهت فاصله گرفتن از روسیه برداشته شود، این هشدارها چیزی بیشتر از سخنانی به گزاف نخواهد بود. از این اقدامات و سایر موقوف‌های اتحادیهٔ اروپا روشن می‌شود که غرب سعی دارد تمام اسالیب و ابزارهای ممکن برای تضعیف نفوذ روسیه در آسیای میانه را به کار گیرد.

اما چین، که آسیای میانه را با گسترش اقتصادی خود و با توجه به ضعف کنونی روسیه، تهدید می‌کند، اینک اعلان نموده که به دنبال جایگاه جدید در منطقه می‌باشد. تنظیم نشست "آسیای میانه - چین"، که نسخهٔ چینی S5+1 امریکا به شمار می‌رود، خود دلیل گویای این ادعاست. پس چین در پی استحکام مشارکت خود در آسیای میانه، نه فقط در سطح اقتصادی، بلکه در سطح سیاسی و نظامی نیز می‌باشد. شی جین پنگ رئیس‌جمهور چین در سخنان خویش در نخستین نشست "آسیای میانه و چین" که به تاریخ 19 می سال جاری در شهر چیان چین برگزار گردیده بود، از برنامه‌های بلندپروازانهٔ چین در آسیای میانه سخن گفت، که بد نیست برخی از نقاط مهم سخنان او را در این‌جا بیان کنیم. او در بخش افتتاحی سخنانش گفت: «در میان مردم آسیای میانه یک ضرب‌المثل است که می‌گوید: "برادری با ارزش‌تر از هر گنجی است"، باید گفت که کشمکش‌های نژادی، دینی، غرب‌زدگی فرهنگی هیچ کدام ویژگی خاصی برای منطقه به شمار نمی‌رود؛ برعکس، این هم‌بستگی و فراگیری است که آرمان مردم آسیای میانه را تشکیل می‌دهد. هیچ کسی حق ندارد در میان مردم این منطقه، فتنه‌انگیزی نموده و به کشمکش‌ها دامن زند، چه رسد به این که سعی کند منافع سیاسی خودخواهانهٔ خود را در اینجا تأمین نماید.»

در این شکی نیست که مسلمانان برادر یکدیگر هستند و هنوز هم این باور در میان مسلمانان آسیای میانه جای دارد، اما این برادری هیچ ربطی به دولت بت‌پرست چین ندارد. چه نوع برادری می‌تواند میان چین، که مسلمانان ایغور را بی‌رحمانه و به گونهٔ غیر انسانی شکنجه و قلع و قمع می‌کند و میان مسلمانان آسیای میانه وجود داشته باشد؟! به گمان اغلب، مخاطب شی جین پنگ، غرب بوده، زیرا او نیز مانند روسیه نمی‌خواهد غرب در آسیای میانه نفوذ داشته باشد. هرچند چین هنوز این ادعا را با صراحت مطرح نکرده، اما به گونهٔ پوشیده به آن اشاره می‌کند، چنان‌چه شی جین پنگ در جریان سخنانش گفت: لازم است در چهار محور با آسیای میانه همکاری شود: کمک‌های دو جانبه، توسعهٔ مشترک، امنیت جهانی و دوستی ابدی. بنابر این ضرور است به آن‌چه او اشاره نمود دقت صورت گیرد: «ضرور است تا بر اساس اصل حفظ امنیت جهانی قدم برداریم و با تلاش‌های بیرونی برای مداخله در امور داخلی

دولت‌های منطقه و یا تحریک انقلاب‌های رنگین، با شدت تمام مقابله کنیم. نباید در برابر این سه نیرو مدارا شود: تروریسم، جدایی‌طلبی و بنیادگرایی. باید با تمام توان برای حل مشکلات امنیتی منطقه تلاش ورزیم. چین آماده است برای تقویت توانایی‌ها در عرصه‌های قانونی، نظم، امنیت و دفاع با دولت‌های آسیای میانه همکاری نماید.» در مرحله کنونی می‌توان گفت که منظور از عبارت: «مداخله در امور بیرونی دولت‌های منطقه یا تلاش‌های خارجی به هدف تحریک انقلاب‌های رنگین»، همانا غرب می‌باشد و منظور از: «موقف گرفتن در برابر نیروهایی مانند تروریسم، جدایی‌طلبان و بنیادگرایان»، همانا جنگ بی‌امان در برابر بیداری مسلمانان در آسیای میانه بر اساس اسلام است. عمق نفرت چین از اسلام و مسلمانان را می‌توان از خلال سیاست‌های بی‌رحمانه آن در برابر مسلمانان ایغور دریافت. روشن است که نفرت و عقده‌ای که در دل دارند به مراتب بیشتر از چیزی است که در عمل نشان می‌دهند!

چین هم‌چنین وعده نمود که مشخصاً در عرصه اقتصادی برای تقویت همکاری با آسیای میانه، آماده همکاری می‌باشد، چنان‌چه گفته شده که چین قرار است 26 میلیارد یوان (3.8 میلیارد دلار) کمک مالی و بلاعوض برای این دولت‌ها اختصاص دهد.

در خصوص ازبکستان، باید گفت که میرزایف در جریان سفر دولت، آمادگی خود را برای گسترش همکاری‌های استراتژی فراگیر میان ازبکستان و چین در دوره سال‌های 2023-2027 م اعلان نمود. در چهارچوب همین برنامه و فعالیت‌های مشترک تجاری؛ دو طرف در خصوص اجرای پروژه‌های صنعتی، تجاری و سرمایه‌گذاری‌های جدید مرتبط با تکنولوژی مدرن به ارزش مجموعی بیشتر از 25 میلیارد دلار به توافق رسیدند. این توافقات شامل عرصه‌های انرژی، کیمیا، معادن، جیولوجی، صنعت ساخت موتور، انجینیری برق، ساختمانی و سایر موارد می‌باشد. شوکت میرزایف هم‌چنین پیشنهاد نمود تا میان وزارت خارجه و خدمات ویژه چین و آژانس اجرای قانون مبارزه با قاچاق مواد مخدر و جرایم الکترونیکی، همکاری‌های متقابل صورت گیرد. به علاوه آن؛ می‌توان گفت که از سال 2017 م تا کنون، میزان سرمایه‌گذاری‌های چین در ازبکستان به 11 میلیارد دلار رسیده و شمار شرکت‌های چینی سرمایه‌گذار در ازبکستان به 2100 شرکت رسیده است. در پایان سال 2022 م، میزان مبادلات تجاری با چین به 9 میلیارد دلار رسید و به این ترتیب، چین تبدیل به دومین شریک تجاری ازبکستان گردید. از تاریخ 1 اکتوبر 2022 م تا کنون، بدهی‌های ازبکستان از بانک Eximbank چین به 1.9 میلیارد دلار رسیده و 2.1 میلیارد دلار هم به بانک توسعه حکومتی چین و سایر بانک‌های آن بدهکار می‌باشد. تمام این آمار بدین معناست که اعتماد اقتصادی ازبکستان به چین در حال افزایش است. برای همه روشن است که این اعتماد سرانجام منجر به این خواهد شد که ازبکستان برای پرداخت بدهی‌های خود به چین، باید زمین‌های حاصل‌خیز و معادن ارزشمند خود را واگذار نماید. می‌دانیم که قرغیزستان و تاجیکستان عملاً در دام قرضه‌های مکارانه چین گیر آمده‌اند. به علاوه این که انتظار می‌رود چین در حال حاضر در تلاش اقداماتی سیاسی برای پر نمودن خلای سیاسی باشد که به دلیل ضعف روسیه ایجاد گردیده و نیز انتظار می‌رود کمک‌های نظامی ویژه‌ی را نیز پیشنهاد نماید.

روسیه در حالی که در نشست‌های مختلف بین‌المللی از مداخله غرب انتقاد می‌کند، می‌توان حدس زد که در اصل نگران مختل نمودن روابط چین با روسیه می‌باشد، زیرا بجز چین دیگر هیچ قدرت بزرگی وجود ندارد که بتواند روسیه را در قضیه اوکراین کمک نماید. روسیه در حال حاضر به شدت نیازمند کمک‌های چین است و به گمان اغلب، چین کمک‌های سری به روسیه می‌فرستد، به علاوه این که در ساحة بین‌المللی، با احتیاط در کنار روسیه قرار می‌گیرد. مسئولین روسیه بارها به تکرار و با صراحت اعلان نمودند

که روابط عمیق میان آسیای میانه و دولت‌های غربی، روسیه را آزار می‌دهد. آخرین مورد آن، سخنان سیرگی لاوروف وزیر خارجه روسیه بود که در دانشگاه روسیه - تاجیکستان (سلافویا) مطرح نمود. وی گفت: «امروزه دیده می‌شود که غرب برای ورود به آسیای میانه به گونه گسترده و جدیت تمام، به شمول کمک‌های بشری و نظامی تلاش می‌ورزد.» لاوروف قبلاً نیز اظهارات منتقدانه‌یی مشابهی را در خصوص گفتگوهای انتونی بلنکن وزیر خارجه امریکا با میرزایف در نشست "S5+1" در آسیای میانه و سپس در تاشکند مطرح نموده بود. لازم به یادآوری است که پنج روز پس از سفر بلنکن به تاشکند، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه با میرزایف گفتگوی تلفونی انجام داد. پس از این اقدامات بود که چنانچه قبلاً اشاره نمودیم، میرزایف یکی از خواسته‌های دولت‌های بزرگ اشاره نموده گفت: «یا باید بی‌طرف باشیم و یا به این و یا آن طرف برویم.»

روسیه برای حفاظت از نفوذ خود در ازبکستان، سعی دارد کارهایی مانند پروژه ساخت ایستگاه هسته‌ای و عضویت ازبکستان در اتحادیه اقتصادی اورآسیا (EEUII) و نیز ایجاد اتحادیه گاز میان روسیه، ازبکستان و قزاقستان را انجام دهد. میخایل میروشوستین، نخست‌وزیر روسیه به تاریخ اول دسامبر 2022م به ازبکستان سفر نمود و در آن سفر از دولت‌های غربی انتقاد نمود، به علاوه دیدگاه‌هایی که رئیس شورای دومای روسیه مطرح نموده بود. وی در آن سفر گفت که ازبکستان باید هرچه زودتر ایستگاه‌های انرژی هسته‌ای خود را بسازد و خواستار این شد که ازبکستان خیلی زود به (EEUII) که زیر تسلط روسیه قرار دارد، بپیوندد. وی هم‌چنین از نیاز به ایجاد اتحادیه گاز میان روسیه، قزاقستان و ازبکستان سخن گفت، درست به همان شویه‌یی که پوتین این پیشنهاد را مطرح نموده بود.

از جانب دیگر، روسیه از مشکل‌آفرینی برای بسیاری از کارگران مهاجر ازبکستانی در روسیه برای اعمال فشار بالای ازبکستان استفاده می‌کند، در حدی که این مشکل طاقت‌فرسا شده و دارد تبدیل به یک بحران می‌شود؛ طوری که اخیراً شروع به ارسال کارگران مهاجر از آسیای میانه، مخصوصاً ازبکستانی‌ها را به جنگ علیه اوکراین می‌فرستد. هرچند فرستادن شهروندان ازبک، که وادار به مشارکت در جنگ اوکراین می‌شوند و در آنجا به قتل می‌رسند، اما حکومت ازبکستان در این خصوص سکوت اختیار نموده و به این اعلان اکتفا می‌کند که مشارکت در این جنگ، پی‌گرد جنایی خواهد داشت و از هیچ مسئول حکومتی روسیه خواسته نشده تا وادار نمودن ازبک‌ها به مشارکت در جنگ اوکراین را متوقف نمایند. هرچند برخی از اعضای پارلمان و فعالان سیاسی که برخی از مسئولین روس را در مورد برخی قضایا به گونه میانه‌روانه مورد انتقاد قرار داده اند، حکومت ازبکستان هیچ‌گاه صدای خود را علیه روسیه بلند نکرده و یا از آن انتقادی را مطرح نکرده است. بنابر این، با وجود ضعفی که اخیراً دامنگیر روسیه گردیده، هنوز هم به گونه‌یی با آسیای میانه و ازبکستان تعامل می‌کند که انگار این سرزمین‌ها "زمین‌های زراعتی" روسیه می‌باشد. روسیه هنوز ادعا دارد که یک قدرت بزرگ است. شکی نیست که آسیای میانه، مخصوصاً ازبکستان، برای روسیه نقش مرگ و زندگی را دارد و از دست دادن این منطقه ادعاهای روسیه مبنی بر قدرت بزرگ بودن را با خاک یکسان می‌کند. درست به همین دلیل است که روسیه خرس صفت از قرار گرفتن آسیای میانه در چنگال غرب و مخصوصاً امریکا، خطر بزرگی را احساس می‌کند. لذا می‌توان گفت که روسیه تا حدی از فعال شدن چین در آسیای میانه چشم‌پوشی می‌کند.

اینک سعی می‌کنیم به این سوال جواب دهیم که کدام یک از این دو طرف خطر بزرگ‌تری علیه سرزمین‌های مان به شمار می‌رود؟ در جواب بهتر است به ضرب‌المثل مشهور مردم ازبکستان اشاره نماییم که می‌گوید: "سگ، سیاه و سفید ندارد، هردو سگ است."

اما در عین حال، باید به یک مسأله مهم توجه نمود و آن این که امریکا در حال حاضر، بزرگترین خطر و تهدید می‌باشد، نه تنها برای مردم این منطقه، بلکه برای تمام بشریت. از جانب دیگر، روسیه و چین از ایدئولوژی یا مبدئی برخوردار نیستند که بتوانند مردم را به سوی آن فراخوانند و افکار و اهداف جدیدی را مبتنی بر آن برای مردم تعریف کنند. دولت‌های اتحادیه اروپا، به شمول فرانسه و انگلیس، اگرچه ایدئولوژی سرمایه‌داری (دموکراسی) را حمل می‌نمایند، اما تأثیرگذاری این دولت‌ها در سیاست جهانی ضعیف گردیده. اما امریکا، که یک دولت مبدئی می‌باشد، در حال حاضر دولت اول جهان بوده و هنوز هم از نظر قدرت و توانایی در عرصه‌های مختلف، حرف اول را می‌زند؛ مبتنی بر ایدئولوژی سرمایه‌داری بوده و ابزارهای مختلفی برای تأثیرگذاری در سیاست‌های جهانی را در اختیار دارد. درست به همین دلایل است که ما مسلمانان، آن را دشمن اول خود تعریف می‌کنیم. اما این به آن معنا نیست که سایر قدرت‌ها را می‌توان نادیده گرفت، بلکه به این معناست که امریکا باید در مرکز توجه مان قرار داشته باشد.

خلاصه این‌که: در فوق به برخی از گام‌هایی که دولت‌های شرور استعمارگر برای تسلط بر آسیای میانه و مخصوصاً ازبکستان بر می‌دارند و در این راستا با یکدیگر رقابت دارند، اشاره نمودیم. باید دانست که استعمارگران برای نفوذ و استقرار در سرزمین‌های ما، به حکومت‌ها و نخبه‌های سیاسی سوار برگردند مردم این سرزمین‌ها تکیه نموده و از آنان کمک می‌گیرند. متأسفانه این حکومت‌ها و نخبه‌گان سیاسی، به عوض این که از سرزمین‌های خود حفاظت نموده و در رشد و توسعه و توجه به آینده آن سعی و تلاش به خرج دهند، دروازه‌های آن را در برابر استعمارگران باز می‌کنند تا سرمایه‌های شان را به تاراج ببرند، مردم مان را به غلامی خود بگیرند، مخصوصاً جوانان و آنان را در مرداب‌های فسق و فجور غرق کنند. پس دیده می‌شود که این حکام در خدمت عقب‌مانی سرزمین‌های مان در تمام عرصه‌ها قرار گرفته اند. این حکام فرومایه، یگانه چیزی را که در بدل این خوش خدمتی‌های خود از کفار استعمارگر توقع دارند، این است که مدت طولانی‌تری در چوکی‌های قدرت ذلیلانه خویش باقی بمانند و از آن طریق برای خود ثروت‌اندوزی کنند. در حالی که برای چنین حالی به هیچ وجه شایسته یک مسلمان نیست، مخصوصاً مسلمانی که رعایت امور مردم را به دوش گرفته، بلکه این نفاق و خیانت است در برابر مردم. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (138) الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِئْتَهُمْ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ

الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾ [نساء: 138-139]

ترجمه: مشرکات را بشارت ده که برایشان عذابی دردناک است. آنان که کافران را بجای مؤمنان، سرپرست و دوست خود می‌گیرند آیا عزت را نزد آنان می‌جویند؟ همانا عزت به تمامی از آن الله است.

سبب اصلی تخلف و خواری ما، بدون شک همین دولت‌های کارتونیکی مانند دولت‌های آسیای میانه، از جمله ازبکستان است؛ دولت‌هایی که ضعیف بوده و هیچ گونه مبدأ و اساس خاصی برای خود ترسیم نکرده. تا زمانی که اطاعت از نظم بین‌المللی بالای ما تحمیل گردد و ایدئولوژی فاسد دموکراسی در سرزمین‌های ما مستحکم شود و این نظام‌های فاسد برخاسته از آن بالای ما تطبیق گردد، به ما مسلمانان خیری نخواهد بود. این کافران استعمارگر می‌خواهند همه چیز بر اساس برنامه‌ها و نقشه‌های شرورانه و مکارانه آن‌ها به پیش رود، طوری وانمود می‌کنند که انگار دوستان و شرکای قابل اعتماد ما هستند، اما در حقیقت اهداف اصلی شان این است که بالای ما و سرمایه‌های ما تسلط پیدا کنند. در حالی که الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ [نساء: 141]

ترجمه: الله (سبحانه و تعالی) هرگز برای کافران علیه مؤمنان راهی قرار نمی دهد.

و نیز می فرماید:

﴿إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ﴾ [آل عمران: 160]

ترجمه: اگر الله شما را یاری دهد، هیچ کسی بر شما غالب نخواهد شد.

اگر ما مسلمانان واقعاً به این باوریم که رهایی از زیر حاکمیت کافران استعمارگر مسئولیت ماست، مادامی که خود را مستحق وعده الله سبحانه و تعالی می دانیم و این که خود را مکرم و معزز می شماریم، مادامی که خود را شایسته غالب نمودن نظام اسلام بر سایر سلطه ها می دانیم، پس بر ما لازم است تا در برهم زدن نقشه ها و سناریوهای دشمنان خود سهم گرفته و راهی دنبال نماییم که شریعت اسلامی برای مان در این خصوص ترسیم نموده است؛ راهی که ما را سر انجام به سعادت، عزت و قوت خواهد رسانید! بجز این آرمان و آرزو، هیچ چیز دیگری نباید برای ما جالب باشد و به هیچ وجه نباید با چیز دیگری قناعت کنیم. این راه سر انجام به برپایی خلافت راشده دوم بر منهج نبوت می انجامد. بنابر این، پیام ما برای فرزندان مسلمان سرزمین های اسلامی این است: در کنار حزب التحریر قرار بگیرید؛ حزبی که این راه را با روشنی و وضوح کامل می داند! پس از آن حمایت کنید و آن را به آغوش بگیرید! الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ ۚ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي ۖ وَسُبْحَانَ اللَّهِ ۖ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ [یوسف: 108]

ترجمه: بگو این راه من است، با بصیرت به جانب "دین" الله دعوت می کنم، من و آنان که از من پیروی می کنند و الله پاک و منزّه است و من از جمله مشرکان نیستم.

نویسنده: اسلام ابوخلیل - ازبکستان

مترجم: عبدالله دانشجو